

بررسی تجربی ارتباط بین دین و سرمایه اجتماعی در ایران

محمدرضا طالبان^۱

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۳۸۶۷-۰۹۰۹-۰۰۰۳-۰۰۰۰

چکیده

چهارچوب تحلیلی سرمایه اجتماعی تأکید دارد بر جامعه‌پذیری افراد که از مشارکت در گروه‌های انجمنی ناشی می‌شود، و این‌که چگونه این جامعه‌پذیری در خدمت القای هنجارهای خاص مشترک و تشویق کنش اجتماعی همیارانه و مشارکتی است. طرفداران چهارچوب سرمایه اجتماعی معتقدند زندگی انجمنی، کارکردهایی برای ایجاد اعتماد، تقویت شبکه‌های اجتماعی گسترده و تثبیت هنجارهایی دارد که نظام‌های اجتماعی سالم را حفظ و توانمند می‌سازد. در این راستا، «دین» به عنوان یکی از عوامل مهم تولید و تقویت سرمایه اجتماعی در جوامع مطرح شده و استدلال‌هایی توسط جامعه‌شناسان در معقول‌سازی این رابطه اقامه گردیده است. در پژوهش حاضر، ابتدا استدلال‌های معطوف به مکانیسم‌های تولید سرمایه اجتماعی توسط دین به فرضیاتی در خصوص چگونگی ارتباط دین با سرمایه اجتماعی ترجمه گردید. سپس، تلاش شد با واحد تحلیل قراردادن «شهرستان» و استفاده از داده‌های ثانویه، اعتبار این فرضیات با روش تطبیقی درون‌کشوری در ایران مورد آزمون تجربی قرار گیرد. یافته‌ها نشان داد حتی هنگامی که اثرات شاخص‌های مختلف توسعه‌یافتگی کنترل و حذف شود، دین هنوز هم عاملی تأثیرگذار بر تقویت سرمایه اجتماعی در ایران است.

واژگان کلیدی: دین، سرمایه اجتماعی، رابرت پاتنام، توسعه‌یافتگی، شهرستان‌های ایران.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی / qtaleban@gmail.com

۱. مقدمه و طرح مسئله

در دهه‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی در علوم اجتماعی بسیار مورد توجه قرار گرفته و در سطوح مختلف تحلیلی مفهوم‌سازی شده و در تحقیقات بی‌شماری به کار گرفته شده است. سهم مهم در این امر از آن اندیشمند اجتماعی معاصر، رابرت پاتنام^۱ بوده است. وی در اثر خویش با عنوان «کارآمدسازی دموکراسی»^۲ که به مطالعه کارآمدی سازمان‌های دولتی در ایتالیا می‌پردازد، از این مفهوم برای اشاره به وجود هنجارهای معامله‌به‌مثل، سنجه‌ای برای اعتماد تعمیم‌یافته و شبکه‌های اجتماعی استفاده کرد (پاتنام، ۱۹۹۳).

تأکید زیاد پاتنام بر اعتماد تعمیم‌یافته و هنجارهای معامله‌به‌مثل در مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی با مفهوم‌سازی‌های قبلی از سرمایه اجتماعی که توسط بورديو (۱۹۸۶) و کلمن (۱۹۸۸) توسعه یافته بود، مغایرت داشت. از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از منابع بالفعل یا بالقوه که به داشتن یک شبکه پایدار از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده از آشنایی و شناخت متقابل مرتبط است. تعریف سرمایه اجتماعی توسط کلمن (۱۹۸۸) نیز بر ویژگی کارکردی یا عملکردی آن تأکید داشته است. از نظر وی، سرمایه اجتماعی عبارت است از انواع مختلفی از اعیان که دو عنصر مشترک دارند:

- همه آن‌ها شامل برخی جنبه‌ها از ساختارهای اجتماعی می‌باشند؛
- کنش‌های خاصی از کنشگران - اعم از اشخاص یا کنشگران سازمانی/شرکتی - دارای شخصیت حقوقی - را در ساختار تسهیل می‌کند.

پس، درحالی‌که پاتنام بر نقش ارزش‌ها و هنجارها تأکید می‌کند، بورديو (۱۹۸۶) و کلمن (۱۹۸۸) صراحتاً سرمایه اجتماعی را به‌عنوان ویژگی تماس‌ها و روابط اجتماعی در نظر می‌گیرند. تفاوت دیگر آن است که بورديو و کلمن، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان ویژگی افراد و مناسبات میان آن‌ها در نظر می‌گیرند؛ یعنی، مجموعه‌ای از منابع اجتماعی حمایتی که افراد می‌توانند برای دستیابی به اهداف معین از آن استفاده کنند. در مقابل، پاتنام بر اهمیت سرمایه اجتماعی برای جامعه تأکید دارد. از نظر پاتنام، جوامع مختلف با سطوح متفاوت سرمایه اجتماعی و به همان نسبت با سطوح قوی یا ضعیف از اعتماد متقابل بین شهروندان و دستگاه‌های سیاسی مشخص می‌شوند (پاتنام، ۱۹۹۳).

البته، پاتنام در اثر بعدی خویش با عنوان «بولینگ تک‌نفره» (۲۰۰۰)، مفهوم سرمایه اجتماعی را بسط داد و به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی نه تنها در سطح جمعی، بلکه در سطح فردی نیز قرار دارد: «شبکه‌هایی که تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی اند، همچنین به‌عنوان کانال یا مجرای برای گردش اطلاعات مفیدی عمل می‌کنند که دستیابی به اهداف افراد را تسهیل می‌کند». منظور پاتنام از «شبکه»، در ابتدا متمرکز بر شبکه‌های افقی و انجمن‌های رسمی در جامعه بود؛ یعنی شبکه‌هایی که افراد واجد قدرت و موقعیت تقریباً برابر را به هم پیوند می‌دهد (پاتنام، ۱۹۹۳). اتحادیه‌ها و احزاب سیاسی تجسم چنین شبکه‌ها یا انجمن‌هایی

1. Robert Putnam

2. Making Democracy Work

هستند. ایده اصلی وی آن بود که یک زندگی انجمنی پویا تأثیر مثبتی بر اعتماد و همکاری اجتماعی دارد. بعدها، پاتنام مفاد مفهوم سرمایه اجتماعی خود را تا حدودی بازنگری می‌کند و از شبکه‌ها به عنوان راه‌هایی برای ارتباط و تماس با دوستان، همسایگان و غریبه‌ها نیز یاد می‌کند. از این رو، سرمایه اجتماعی تا آنجا که شبکه‌ها را مدنظر قرار می‌دهد، هم به عضویت رسمی در همه نوع انجمن‌ها و هم به انواع مختلف تماس‌ها یا ارتباطات اجتماعی غیررسمی (برای مثال، دورهم جمع شدن برای خوردن و آشامیدن، بازی با دوستان، تماس و ارتباط با همسایگان و غیره) مربوط گردید.

در حال، با اندکی تأمل روشن خواهد شد که سرمایه اجتماعی معطوف به پیوندهای بین مردم و وجود اعتماد متقابل است. در همین راستا، پاتنام (۱۹۹۳ و ۲۰۰۰) تصریح کرد که سرمایه اجتماعی به ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی یا جامعه مدنی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی اشاره دارد که هماهنگی و همکاری را در جهت منافع متقابل در جامعه تسهیل می‌کند. پس، سرمایه اجتماعی مشتمل بر ویژگی‌های ساختاری (یعنی، شبکه‌های اجتماعی) و فرهنگی (یعنی، هنجارهای تعامل و اعتماد) سازمان‌های اجتماعی در یک جامعه است که موجب تسهیل و روان شدن همکاری‌ها و همیاری‌های اجتماعی می‌شود. مکانیسم علی‌ضمنی آن، این است که سرمایه اجتماعی امکان حل مشکلات مربوط به اقدام جمعی، کاهش هزینه‌های مبادلات و تسهیل توزیع اطلاعات را فراهم می‌کند. جهت دیگری که شبکه‌های اجتماعی از اهمیت زیادی در حیات اجتماعی برخوردارند، آن است که آن‌ها همراه با ایجاد و گسترش فرصت‌های مشارکت و تعاملات مدنی (فعالیت انجمنی در همسایگی و سازمان‌های اجتماعی) سازنده و تولیدکننده سرمایه اجتماعی‌اند.

از نظر پاتنام، بدون تدارک کافی سرمایه اجتماعی - یعنی، بدون مشارکت مدنی، هنجارهای عمل متقابل و اعتماد - نهادهای اجتماعی در یک جامعه متزلزل می‌شوند. یک استدلال کلیدی در ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی، آن است که بسیاری از مشکلات اجتماعی می‌تواند از طریق همکاری یا کنش‌های جمعی همیارانه برطرف شوند و همکاری داوطلبانه در صورت وجود سرمایه اجتماعی است که آسان‌تر و به احتمال زیاد خودجوش‌تر انجام می‌گیرد. به علاوه، بین اقدامات همیارانه و سرمایه اجتماعی رابطه رفت و بازگشتی وجود دارد؛ زیرا سرمایه اجتماعی هر چه بیشتر استفاده شود، افزون‌تر خواهد شد و بدون استفاده منظم از آن به تدریج از بین می‌رود. به این دلیل بود که پاتنام تصریح نمود اعتماد، موجب تسهیل و روان تر شدن همکاری بین افراد می‌شود و در برگشت، همکاری نیز موجب ایجاد اعتماد می‌گردد؛ و بدین سان، سرمایه اجتماعی انباشته می‌شود (پاتنام، ۱۹۹۸، ۱۹۹۶).

نکته حائز اهمیت آن‌که، پاتنام در کتاب بولینگ تک نفره (۲۰۰۰) دو روش یا شیوه را برای کسب سرمایه اجتماعی توصیف می‌کند؛ نخست، سرمایه اجتماعی «پیوندزنی»^۱ که توسط شبکه‌های اجتماعی یا روابط بین گروه‌های مشابه یا همگون تأمین می‌شود. این شکلی از سرمایه اجتماعی است که برای مثال هم‌مذهبان می‌توانند از طریق سازمان‌های مذهبی - فرهنگی خودشان به دست آورند. دوم، سرمایه اجتماعی

«پل زدنی»^۱ که دارای ویژگی عدم تجانس یا ناهمگونی است و از مناسبات بین افراد در گروه‌های مختلف مذهبی و فرهنگی ناشی می‌شود. درحالی که سرمایه اجتماعی پیوندزدنی از درون گروه‌های همگن به دست می‌آید و هویت‌های خاص و انحصاری را تقویت می‌کند، سرمایه اجتماعی پل زدنی بین گروه‌های ناهمگن ایجاد می‌شود و هویت‌های عام و فراگیر را ایجاد می‌کند که فراتر از تفاوت‌های درونی است (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۲-۴).

البته، این‌ها تمایزات واضح و کاملاً مشخص و مرزبندی شده‌ای نیستند تا بتوان همه شبکه‌های اجتماعی را به‌طور منظم در یکی از این دو دسته جای داد. در حقیقت، یک شبکه اجتماعی خاص ممکن است در یک بُعد (مثلاً مذهب) همگن و در بُعد دیگر (مثلاً قومیت) ناهمگن باشد. باوجوداین، تمایز مذکور تمایز مفیدی است که توضیح می‌دهد چرا شبکه‌های اجتماعی لزوماً همبستگی درون‌گروهی را به قیمت طرد گروه‌های بیرونی تقویت نمی‌کنند، بلکه می‌توانند گروه‌های بیرونی یا خارجی را تحت یک هویت عام و فراگیر پوشش دهند و به‌هم‌پیوستگی اجتماعی را در جامعه کل تقویت کنند (هولتاگ، ۲۰۲۱). در همین راستا، پاتنام استدلال نمود که شبکه‌های مشتمل بر افرادی با پیشینه‌های مختلف (شبکه‌های «پل زدنی») نسبت به شبکه‌هایی که فاقد چنین تنوعی هستند، برای احساس اعتماد تعمیم‌یافته مفیدتر خواهند بود (پاتنام، ۲۰۰۰).

رویکردهای اخیر در خصوص سرمایه اجتماعی، بین جنبه‌های نگرشی و ساختاری آن تمایز قائل می‌شوند (استول، ۱۹۹۸). در این راستا، استدلال شده است که شبکه‌های انجمنی، تولیدکنندگان هنجارهای عمل متقابل و نگرش‌های اعتماد تعمیم‌یافته هستند (پاتنام، ۱۹۹۳، ۲۰۰۰). البته، برخی از مطالعات تجربی شک و تردیدهایی را در مورد جهت علی این رابطه ایجاد کرده‌اند و نشان داده‌اند که افراد واجد نگرش‌های تعمیم‌یافته هستند که گروه‌های داوطلبانه را برای عضویت انتخاب می‌کنند (استول، ۱۹۹۸). برخی دیگر نیز این ارتباط را به‌طور کلی زیر سؤال برده‌اند (اوسلانر، ۲۰۰۲).

از آن طرف و در خصوص نحوه ارتباط دین با سرمایه اجتماعی، بسیاری از جامعه‌شناسان نقش دین و التزام دینی را در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی غیرقابل انکار دانسته و استدلال نموده‌اند، افرادی که به‌طور فعال در اجتماعات مذهبی (مثل مساجد، حسینیه‌ها، هیئت‌های مذهبی، جلسات روضه‌خوانگی یا مانند آن) شرکت می‌کنند، دوستان جدیدی از همسایگان، هم‌محله‌ای‌ها و سایر هم‌مذهبی‌ها می‌یابند و غالباً و به احتمال زیاد در معرض تعامل مستمر یا گاه‌وبیگاه با آن‌ها قرار می‌گیرند (برای نمونه نک: پاتنام، ۲۰۰۰؛ اسمیت، ۲۰۰۳؛ پاتنام و کمپبل، ۲۰۱۰؛ آیدلر، ۲۰۱۴؛ شاپیرو، ۲۰۲۲؛ کاظمی‌پور و گودرزی، ۱۴۰۱). البته، در جامعه ایران برخی جامعه‌شناسان داخلی با استفاده از نتایج تحقیقات کمی و کیفی در چند دهه اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که میزان سرمایه اجتماعی در ایران دچار کاهش چشمگیری شده است (کاظمی‌پور و گودرزی، ۱۴۰۱). آنان همچنین در تفسیر تحولات نهاد دین پس از انقلاب اسلامی که در نتیجه ادغام دو نهاد دین و دولت در یکدیگر روی داده است، استدلال کرده‌اند که این تحولات دینی، یکی

از عوامل مهم در کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه ایران بوده است (همان: ۱۴۵). اگرچه این نوع استدلال و نتیجه‌گیری در جای دیگری مورد نقد قرار گرفته است (نک: طالبان، ۱۴۰۲)؛ ولی قبل از آن، باید به صورت تجربی نشان داد که وضعیت یا شدت ارتباط دین با سرمایه اجتماعی در جامعه ایران چگونه است. پژوهش حاضر، حول محور چنین مسئله‌ای سازمان داده شده است.

شایان ذکر است که در وضعیت کنونی ایران، چگونگی وضعیت ارتباط دین با سرمایه اجتماعی می‌تواند جدا از اهمیت علمی برای جامعه آکادمیک، برای جامعه غیرآکادمیک نیز که درصدد شناخت تأثیرات فرانهاد دین بر جامعه پساانقلابی ایران هستند، واجد اهمیت بسزایی باشد. از این رو، در پژوهش کلان‌پایه حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی و در نظر گرفتن واحد تحلیل سیستمی «شهرستان»، پرسش زیر به عنوان مسئله اصلی برای انجام پژوهش تجربی در سطح جامعه ایران مدنظر قرار گرفته است:

آیا شهرستان‌هایی که بالاترین/پایین‌ترین سطوح دینی بودن را دارند، همان‌هایی هستند که بیشترین/کمترین سطح سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهند یا خیر؟

۲. تبیین نظری و فرضیات

اگرچه شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که ادیان و مذاهب مختلف در کمیت و کیفیت انواع سرمایه اجتماعی که تشویق و ترویج می‌کنند، متفاوت هستند؛ ولی شکی وجود ندارد که مشارکت در اجتماعات مذهبی، حجم و تراکم شبکه‌های اجتماعی را افزایش داده (الیسون و شرکات، ۱۹۹۵) و از این طریق، به افزایش کلی سرمایه اجتماعی در جامعه کمک کرده و برای آن سودمند است. از این رو، اگر گفته شود سرمایه اجتماعی یکی از ویژگی‌ها و نتایج بارز مشارکت‌های مذهبی است و اجتماعات مذهبی یکی از منابع مهم سرمایه اجتماعی و شاید در برخی جوامع، بزرگ‌ترین منبع آن هستند (پاتنام، ۲۰۰۰؛ اسمیت، ۲۰۰۳؛ همچنین نک: کاظمی‌پور و گودرزی، ۱۴۰۱)، به نظر می‌رسد سخن دلالت‌آمیزی بیان شده باشد.

در همین راستا، نشان داده شده است که جنبه‌های مختلف دین مانند آموزه‌ها، رفتارها، آیین‌ها و مناسک می‌توانند به عنوان منبعی مهم برای افراد عمل کنند (یاناکن، ۱۹۹۴، ۱۹۹۰؛ استارک و فینک، ۲۰۰۰؛ فینک و داگرتی، ۲۰۰۲). درواقع، دین می‌تواند با افزایش منابع در دسترس افراد، برانگیزاننده رفتارهای مشارکتی از طریق مکانیسم‌های ایجاد فرصت‌های سازمانی باشد.

همچنین، التزام مذهبی افراد می‌تواند با افزایش منابع در اختیار آنان، فرصت‌هایی را برای مشارکت اجتماعی بیشتر فراهم کند. این امر می‌تواند با افزایش سرمایه اجتماعی یا اعتماد میان هم‌مذهبان، هزینه‌های مشارکت اجتماعی را کاهش دهد و انجام مشارکت‌های مدنی را تسهیل کند. در این راستا، تحقیقات متعدد نشان داده است که عضویت در گروه‌های مذهبی، ارتباطی قوی با سایر اشکال مشارکت مدنی مانند رأی‌دادن، خدمات اجتماعی، گفتگو با همسایگان و کمک به امور خیریه دارد (پاتنام، ۲۰۰۰؛ اسمیت، ۲۰۰۳؛ شاپیرو، ۲۰۲۲). دین همچنین می‌تواند به عنوان یک بستر سازمانی برای بسیج در فعالیتهای مدنی و عام‌المنفعه عمل کند. پژوهش‌های علمی نشان داده است که دین، همکاری و رفتارهای حمایت

اجتماعی را حداقل در گروه‌های مذهبی خودی ترویج می‌کند (پارا، ۲۰۱۱؛ هافمن و جمال، ۲۰۱۴)؛ ضمن آن‌که، مناسک و اعمال جمعی مذهبی علاوه بر تقویت سرمایه اجتماعی، می‌توانند به سازمان‌دهی رفتارهای مشارکتی نیز کمک کنند. در این راستا، جمال (۲۰۰۵) دریافت که شرکت دین‌داران مسلمان در مساجد آمریکا، احساس «آگاهی گروهی»^۱ یا «هویت جمعی» را که عنصری ضروری برای بسیج در فعالیت‌ها و مشارکت اجتماعی است، تقویت می‌کند. از این رو، اگر گفته شود شاعر و مناسک جمعی دینی واجد مکانیسم‌هایی اند که منجر به تولید و تقویت سرمایه اجتماعی و منابع سازمانی می‌شوند که آن‌هم رفتارهای مشارکتی را در جامعه ارتقا می‌بخشد، سخن دلالت‌آمیزی بیان شده است.

افزون بر این، استدلال شده است که نه تنها کمیت، بلکه کیفیت سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند در میان اجتماعات مذهبی بیشتر از اجتماعات غیرمذهبی باشد. در این راستا، شاپیرو (۲۰۲۲) استدلال کرد که مکانیسم‌های تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی در درون یک گروه یا اجتماع مذهبی خوب‌تر عمل می‌کند. وی از اصطلاح «سرمایه اجتماعی تشدیدشده»^۲ برای اشاره به این تأثیر کلی دوچندان‌شده سرمایه اجتماعی استفاده کرد که به‌طور بالقوه همراه با مشارکت‌های مذهبی است (شاپیرو، ۲۰۲۲: ۴۴۶۸). این، بدان معناست که دین می‌تواند ظرفیت ممتازی برای تغذیه سرمایه اجتماعی در جوامع داشته باشد.

به گفته اسمیت (۲۰۰۳) یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد دین در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی، توانایی آن در پرورش و حفظ روابط متقابل میان بازیگران اجتماعی است. استدلال وی آن است که سرمایه اجتماعی مذهبی می‌تواند پایه و اساس قوی‌تری برای همکاری گروهی نسبت به سرمایه اجتماعی ای فراهم کند که از منابع سکولار ایجاد می‌شود. چون، درحالی‌که همکاری گروهی خارج از بافت‌های مذهبی می‌تواند مبتنی بر انگیزه‌های مادی برای تقویت همکاری با دیگران باشد، کش جمعی در میان گروه‌های مذهبی می‌تواند از طریق انگیزه‌های غیرمادی (مانند میل به انجام کارهای خیر و مستحب) رخ دهد که اغلب ریشه در باورهای مذهبی افراد در چنین اجتماعاتی دارد. به‌علاوه، وجود ارزش‌های متعالی می‌تواند هنجارهای قوی‌تری از رفتار متقابل را در میان آن دسته از بازیگرانی پرورش دهد که انتظار دارند پاداش برای انتخاب همکاری با دیگران (یا مجازات برای انتخاب نکردن آن) اتفاق بیفتد - حتی اگر چنین پاداش‌ها و مجازاتی فقط پس از مرگ اتفاق بیفتد (اسمیت، ۲۰۰۳).

از سوی دیگر، آموزه‌های دینی معمولاً این ایده را تبلیغ می‌کنند که روابط مثبت و حسنه در میان اعضای خانواده و افراد جامعه، امری قابل تحسین و ستودنی است. اعتقادات دینی همواره اعضای خود را در خصوص اجرای چنین روابطی تشویق کرده‌اند و آموزش‌های مذهبی بر پایه مواعظی پایه‌ریزی شده‌اند که همواره ایجاد پیوند و روابط سالم و قابل اطمینان بین افراد را توصیه و تأکید می‌کنند. در حقیقت، ادیان اغلب پیروان خود را تشویق می‌کنند تا با دیگران رفتار مثبت داشته باشند، صرف‌نظر از مزایای خاصی که ممکن است از چنین روابطی حاصل شود یا نشود (کتابی و همکاران، ۱۳۸۳؛ شاپیرو، ۲۰۲۲).

1. Group consciousness

2. Social capital magnified

نکته دیگر آن که، اجتماعات مذهبی و به طور کلی دین نهادینه شده می تواند تأثیر سرمایه اجتماعی را از طریق مکانیسم های جامعه پذیری و کنترل اجتماعی افزایش دهد. اقتدار اخلاقی دین می تواند رفتار افراد را تنظیم کند؛ ضمن آن که اعتقادات و اعمال دینی نیز می توانند متدینان را در یک اجتماع اخلاقی واحد مانند مسجد، کلیسا یا کنیسه متحد کنند. در حقیقت، قدرت و اهمیت اعتقاد به خداوند و مجموعه ای از ارزش های دینی مشترک، کمک زیادی به اتحاد اعضا در یک اجتماع منسجم می کند. واقعیت آن است که بسیاری از مذاهب دارای سطحی از اقتدار هستند که در سازمان های سکولار یافت نمی شود؛ و چنین اقتدار والتری است که تأثیر نهادهای مذهبی را بزرگ تر و بیشتر می کند. افزون بر این، عبادتگاه ها و محیط های مشارکت مذهبی معمولاً قواعد و هنجارهایی در مورد چگونگی فعالیت در آن محیط های اجتماعی دارند. این هنجارها می توانند به ایجاد پیوندهای قوی در میان افراد از طریق تقویت همبستگی و روابط گروهی و از طریق مضمون و محتوای واقعی هنجارها، مانند احساس مسئولیت در قبال دیگران کمک کنند. به همین دلیل، به نظر می رسد در اجتماعات مذهبی همواره نقش بزرگی را عناصری همچون شبکه های اجتماعی، همبستگی و حمایت اجتماعی ایفا می کنند که همگی عناصر اصلی و سازنده سرمایه اجتماعی هستند (چترز، ۲۰۰۰؛ اسمیت، ۲۰۰۳؛ فولی و هوگ، ۲۰۰۷؛ پاتنام و کمپبل، ۲۰۱۰؛ شاپیرو، ۲۰۲۲).

از دیگر سو، دین می تواند از طریق میانجیگری سبک زندگی افراد مذهبی و بر اساس هنجارها و تعهدات مشترکشان بر سرمایه اجتماعی تأثیر بگذارد. واقعیت آن است که ادیان پاداش هایی را برای پایبندی به رفتارهای تجویز شده و همچنین مجازات هایی را در قبال بی توجهی به آن ها توصیف می کنند که به طور بالقوه می تواند بر سرمایه اجتماعی تأثیر بگذارد (ایدلر، ۲۰۱۴؛ کراوس و همکاران، ۲۰۱۷). به علاوه، اجتماعات مذهبی می توانند سطح بالایی از اعتماد را در میان اعضای خود ایجاد کنند که عنصر بسیار مهمی از سرمایه اجتماعی است. مشارکت کنندگان مذهبی بیشتر احساس می کنند که می توانند روی اعضای دیگر در اجتماع هم مذهبی شان حساب کنند و اعتباری که از طریق فعالیت هایشان در اجتماع مذهبی کسب می شود، در آینده با عمل متقابل روبرو خواهد شد. همچنین، در حالی که مطالعات متعدد در علوم اجتماعی مزایای داشتن دوستان را به طور کلی مستند کرده اند (برکمن و همکاران، ۲۰۱۴)، به نظر می رسد شبکه دوستان در اجتماعات مذهبی مفیدتر و تأثیرشان بیشتر است. در این راستا، برخی دانش پژوهان و صاحب نظران حوزه مطالعاتی سرمایه اجتماعی، استدلال نموده اند که یک شبکه دوستی متشکل از افراد مذهبی می تواند تأثیر قوی تری نسبت به دوستان غیر مذهبی داشته باشد و به همین دلیل، برای «دوستان در یک اجتماع مذهبی» از برچسب یا اصطلاح «دوستان پُر مایه تر»^۱ استفاده کرده اند (پاتنام و کمپبل، ۲۰۱۰؛ شاپیرو، ۲۰۲۲).

در نهایت، رهبران مذهبی می توانند به شیوه هایی که اغلب بارهبران سازمان های سکولار متفاوت است، بر رفتارهای متدینین از راه های مرتبط با سرمایه اجتماعی تأثیر بیشتری داشته باشند. تحقیقات نشان داده است که رهبران مذهبی به ویژه به عنوان الگوهای نقش به طور مؤثری عمل می کنند و اجتماعات آن ها می توانند یک گروه مرجع برای هنجارهای رفتاری مناسب باشند (الیسون و شرکات، ۱۹۹۵؛ چترز، ۲۰۰۰). در حقیقت،

رهبران مذهبی می‌توانند نقش مهمی در ساختن اجتماع و برآوردن نیازهای اعضای اجتماع مذهبی‌شان ایفا کنند و چتر حمایت اجتماعی گسترده‌ای را برای افراد مهیا نمایند (فولی و هوگ، ۲۰۰۷؛ شاپیرو، ۲۰۲۲). بر اساس مطالب فوق‌الذکر و برای جمع‌بندی کلی از تمامی استدلال‌های ارائه‌شده در این بخش، می‌توان آن‌ها را در یک مدعای نظری یا فرضیه خلاصه و فرموله کرد، مبنی بر آن‌که دین ارتباطی مثبت با سرمایه اجتماعی دارد. البته، با توجه به اتخاذ واحد تحلیل سیستمی در پژوهش حاضر، فرضیه تحقیق به شکل تفصیلی‌تر به شرح ذیل قابل‌تقریر است:

سرمایه اجتماعی ارتباط مثبتی با میزان حضور دین در سیستم‌های اجتماعی (در تحقیق حاضر: شهرستان‌های ایران) دارد؛ به‌نحوی‌که سیستم‌های اجتماعی (شهرستان‌های ایران) با بیشترین نرخ سرمایه اجتماعی، باید از بیشترین میزان حضور دین برخوردار باشند و بالعکس، کمترین میزان حضور دین می‌باید متعلق به اجتماعات یا سیستم‌های اجتماعی (شهرستان‌های ایران) باشد که از کمترین نرخ سرمایه اجتماعی برخوردارند.

۳. روش‌شناسی

۳-۱. ماهیت تحقیق، جامعه آماری و حجم نمونه

پژوهش حاضر برای واری‌تجربی مدعاهای نظری یا فرضیه تحقیق از روش تطبیقی درون‌کشوری^۱ استفاده کرده است. مهم‌ترین وجه متمایز روش تطبیقی از سایر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، به‌کارگیری واحدهای جمعی یا سیستم‌های اجتماعی به‌عنوان واحد تحلیل است.

در پژوهش حاضر، از «شهرستان» به‌عنوان واحد تحلیل سیستمی درون‌کشوری استفاده شده است. طبق تعریف مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)، «شهرستان» واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین حاصل از به‌هم‌پیوستن چند بخش هم‌جوار است که از نظر عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی واحد متناسب و همگونی را به وجود آورده‌اند.

در تحلیل تطبیقی درون‌کشوری، واحد تحلیل «شهرستان» مزیت برجسته‌تری نسبت به واحد تحلیل «استان» دارد؛ چراکه اولاً، تعداد شهرستان‌ها بسیار بیشتر از استان‌هاست و به همین سبب، امکان برآوردهای دقیق آماری را در خصوص چگونگی ارتباط میان متغیرها در تحقیقات تبیینی فراهم می‌کند؛ ثانیاً، شهرستان‌ها، سیستم‌های اجتماعی متجانس‌تری نسبت به استان‌ها هستند و همگونی درونی بالاتری دارند. بدین ترتیب، روش این مطالعه «تطبیقی درون‌کشوری» است که از داده‌های جمعی برای مقایسه کمی واحدهای کلان اجتماعی در ایران (یعنی شهرستان‌ها) استفاده کرده است؛ بنابراین، «واحد تحلیل» و «سطح تحلیل» به ترتیب «شهرستان» و «ایران» است و از داده‌های ثانویه برای تحلیل نهایی استفاده شده است. مشخصات و منابع اخذ این داده‌ها، ذیل مفهوم‌سازی هر متغیر تشریح خواهند شد.

1. Within-National Comparative Method

۲-۳. سنجه‌ها

متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی

پاتنام، برای سنجش سرمایه اجتماعی در یک جامعه از تعداد انجمن‌ها یا شبکه‌های رسمی و غیررسمی برای فعالیت‌های داوطلبانه که پیونددهنده افراد و منبع اصلی سرمایه اجتماعی اند به اضافه میزان اعتماد اجتماعی استفاده کرد. شاخص تراکم انجمنی معمولاً به عنوان شاخص شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی موجود در یک جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا منعکس کننده فرصت‌ها و امکانات شهروندان برای مشارکت در شبکه‌های اجتماعی موجود در اجتماعشان است (پاتنام، ۲۰۰۰، ۱۹۹۳؛ استول، ۱۹۹۸؛ برگر-اشمیت، ۲۰۰۲؛ لاورینسن و کولپارت، ۲۰۰۴؛ روپاسینگا و همکاران، ۲۰۰۶؛ هالپرن، ۲۰۰۶؛ هوگه، ۲۰۱۱؛ جوتیر و هیندلز، ۲۰۱۲؛ باترمن، ۲۰۱۵).

البته، شاخص تراکم انجمنی یا تعداد انجمن‌های داوطلبانه، متداول‌ترین شاخص سطح سیستمی برای سنجش سرمایه اجتماعی در تحقیقات اجتماعی بوده است. در همین راستا، باید توجه داشت که سرمایه اجتماعی از طریق مشارکت افراد در فعالیت‌های انجمنی است که ظاهر می‌شود. پاتنام تصریح دارد که مشارکت افراد در سازمان‌ها و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، از وسایل اصلی مشارکت مدنی است که موجب القای «عادت‌های همکاری و همیاری، همبستگی و روحیه جمعی در میان اعضا می‌شود» (پاتنام، ۱۹۹۳: ۸۹-۹۰). به عبارت دیگر، فعالیت‌های انجمنی، اشتراک اطلاعات را از طریق تعاملات مکرر و تکوین اعتماد تسهیل می‌کند و این تعاملات باعث ایجاد عمل متقابل می‌شود. در حقیقت، افراد متعلق به چنین گروه‌هایی تمایل دارند به دیگرانی که به همان گروه تعلق دارند، اعتماد کنند و بنابراین احتمال همکاری آن‌ها بیشتر می‌شود. پس، اعتماد نیز عنصر مهمی از سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و به همین دلیل، لارسن (۲۰۱۵) جنبه اصلی و رکن اساسی سرمایه اجتماعی را «اعتماد» دانست.

همچنین، میزان مشارکت رأی‌دهندگان در انتخابات جوامع محلی به عنوان جلوه‌ای از دلبستگی و پیوند با جامعه محلی خویش در نظر گرفته شده است؛ چون ضمن آن که نشان‌دهنده مشارکت در امور عمومی است، به عنوان شاخص درگیری مدنی و عنصری از سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود. در حقیقت، مشارکت انتخابی یک معرّف مهم از ادغام شهروندان در ساختار جامعه یا میزان بیگانگی از جامعه سیاسی محسوب می‌شود (پاتنام، ۱۹۹۴؛ آلسینا و لافرازا، ۲۰۰۰؛ روپاسینگا و همکاران، ۲۰۰۶؛ اکونومو، ۲۰۰۷؛ بکرز و ولهویزن، ۲۰۰۸؛ جوتیر و هیندلز، ۲۰۱۲).

در پژوهش حاضر، برای سنجش سرمایه اجتماعی از سه شاخص «فعالیت انجمنی»، «اعتماد اجتماعی» و «مشارکت انتخاباتی» استفاده شد. ابتدا بر پایه نتایج پیمایش ملی «وضعیت اجتماعی-فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» (۱۳۹۶)، داده‌های مربوط به شاخص «فعالیت انجمنی» به عنوان درصد عضویت شهروستانی افراد در ۱. سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)؛ ۲. صندوق‌های قرض الحسنه دوستی یا خانوادگی؛ ۳. شورایی‌ها و گروه‌های محله‌ای؛ ۴. خانه‌های فرهنگ و فرهنگسراها؛ ۵. کانون‌های فرهنگی و هنری؛ ۶. پایگاه بسیج؛ ۷. هیئت‌های مذهبی هفتگی یا ماهانه؛ ۸. تشکل‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی؛ ۹.

انجمن‌های اسلامی؛ ۱۰. اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای؛ ۱۱. باشگاه‌های ورزشی و تفریحی؛ ۱۲. انجمن‌های هنری و ادبی؛ ۱۳. مؤسسات خیریه؛ ۱۴. انجمن‌های زیست‌محیطی و ۱۵. میانگین شهرستانی فعالیت‌های عام‌المنفعه مدنظر قرار گرفت. در گام بعدی، شاخص «اعتماد اجتماعی» از ترکیب عاملی سه گویه «اعتماد به یکدیگر»، «اعتماد به همشهری‌ها» و «اعتماد به غیرهمشهری‌ها» در پیمایش «وضعیت اجتماعی-فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» (۱۳۹۶) ساخته شد.

در گام آخر، شاخص «مشارکت انتخاباتی» بر اساس دو معرّف شهرستانی؛ یکی گویه «میزان اهمیت شرکت در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و...» در پیمایش وضعیت اجتماعی-فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران (۱۳۹۶) و دوم، «درصد مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶» ساخته شد. داده‌های مربوط به این معرّف نیز از گزارش‌های وزارت کشور در همان سال انتخابات به دست آمد. درنهایت، سنجۀ مربوط به سرمایه اجتماعی بر اساس ترکیب سه مقیاس «فعالیت انجمنی»، «اعتماد اجتماعی» و «مشارکت انتخاباتی» توسط تکنیک آماری تحلیل عاملی پس از استاندارد کردن نمراتشان ساخته شد.

متغیر مستقل: دین یا التزام دینی

دین (هر چه باشد)، فقط هنگامی موضوع مطالعه جامعه‌شناسان قرار می‌گیرد که تمام یا بخشی از آموزه‌هایش موردپذیرش مردم یا گروهی از افراد قرار گیرد (=دین‌داری) و جزئی از نظام فرهنگی جامعه شود (=دین مردم) و آثار خواسته و ناخواسته متعددی در جامعه به بار آورد. اگر دینی مورد پذیرش هیچ انسانی قرار نگیرد و تبدیل به دین‌داری نشود، هیچ آثاری در جامعه نخواهد داشت و موضوع مطالعه جامعه‌شناسی قرار نخواهد گرفت. پس از حیث جامعه‌شناختی می‌توان به‌طورکلی «دین» را عبارت از التزام به تعالیم و دستورات یک دین یا مذهب توسط مردم دانست. این التزام از یک‌سو، متضمن باور به توصیفات و تبیین‌های تأییدشده توسط یک سازمان مذهبی و داشتن عواطف و احساسات مساعد نسبت به آن است. از سوی دیگر، این التزام به کلیه رفتارها و اعمال معطوف به امر قدسی یا خداوند ارجاع دارد که توسط سازمان مذهبی مشروع در جامعه، مشخص و توصیف شده‌اند. چنین رفتارهایی دربردارنده کلیه صورت‌های فردی و جمعی مشارکت در اعمال دینی است (استارک و فینک، ۲۰۰۰: ۱۰۳). البته، از آنجاکه دین اکثر قریب به اتفاق مردم ساکن در جامعه ایران، دین اسلام است،^۱ مفهوم‌سازی «دین» در مطالعه حاضر، با دو بُعد التزام ذهنی و التزام عینی به این دین اختصاص یافت.

همانند سایر مفاهیم انتزاعی و چندبُعدی، مشکل اصلی در مطالعه تجربی دین با روش تطبیقی، و بالأخص واحد تحلیل شهرستان در ایران، نبود داده برای هر نوع مفهوم‌سازی با ابعاد و مؤلفه‌های متعدد از دین است. شایان ذکر است که داده‌ها برای تحقیق تطبیقی نوعاً از منابع ثانویه به دست می‌آیند و در این منابع، یک مشکل مشترک و عمومی عبارت از نبود یا کمبود داده‌های مناسب برای کلیه شاخص‌های مدنظر قرار گرفته برای هر یک از متغیرهای تحقیق در سطح تمامی واحدهای کلان اجتماعی برای دوره زمانی

۱. نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ نشان داد که حدود ۹۹ درصد از ساکنان ایران، مسلمان هستند (سالنامه آماری کشور ۱۳۹۶: ۱۵۹).

مورد بررسی است. از این رو، به دلیل محدودیت‌های عملی در وجود و دستیابی به داده‌های مناسب برای کلیه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های دین در سطح شهرستان‌های ایران، از تنها منبع موجود که واجد داده‌های پیمایشی در سطح شهرستان‌های ایران بود - یعنی «پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» (۱۳۹۶) - استفاده کردیم.

بدین ترتیب، در پژوهش حاضر برای سنجش بُعد التزام ذهنی دین از معرف یا گویه «خداوند در همه جا حضور دارد و ناظر اعمال ماست» استفاده شد. همچنین، بُعد التزام عینی دین که دلالت بر اعمال و رفتارهای مذهبی دارد، بر اساس پنج گویه مختلف در پیمایش مذکور مشتمل بر ۱. «نماز خواندن»؛ ۲. «روزه گرفتن»؛ ۳. «شرکت در نماز جماعت»؛ ۴. «شرکت در نماز جمعه» و ۵. «پرداخت خمس» مورد سنجش قرار گرفت.

چنان‌که گفته شد، داده‌های مربوط به همه معرف‌های تشکیل‌دهنده سنجۀ دین/التزام دینی در سطح شهرستان‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر از گزارش استانی (۳۱ مجلد) «پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» (۱۳۹۶) اخذ گردید. داده‌های سطح سیستمی هر یک از این معرف‌ها به صورت میانگین پاسخ‌ها در هر یک از شهرستان‌های ایران به دست آمد. البته، از آنجاکه معرف‌های یک شاخص ترکیبی معمولاً نقش یا وزن یکسانی در سنجش مفهوم مورد نظر ندارند، شاخص شهرستانی «دین یا التزام دینی» از ترکیب وزنی معرف‌های التزام عینی و ذهنی دینی پس از استاندارد کردن نمراتشان بر اساس تکنیک «تحلیل مؤلفه‌های اصلی» در تحلیل عاملی ساخته شد.

متغیر کنترل: توسعه‌یافتگی

روش‌شناسان تطبیقی همواره توصیه کرده‌اند که در تحقیقات تطبیقی (چه بین‌کشوری و چه درون‌کشوری) برای آزمون فرضیات در سطح سیستمی لازم است که متغیر توسعه اقتصادی-اجتماعی کنترل شود، چون این متغیر با کثیری از متغیرهای دیگر ارتباط دارد. در مطالعه حاضر، برای عملیاتی‌سازی مفهوم توسعه‌یافتگی در سطح شهرستان‌های ایران، از سه مؤلفه اصلی «صنعتی شدن»، «شهری شدن» و «نرخ سواد دانشگاهی» استفاده گردید و در نهایت، سازه توسعه‌یافتگی در سطح شهرستان‌های کشور از طریق تحلیل عاملی سه شاخص صنعتی شدن، شهری شدن و نرخ سواد دانشگاهی پس از استاندارد نمودن نمراتشان ساخته شد.

۴. یافته‌ها

در ابتدا و به منظور تسهیل در مقایسه نتایج، جایگاه ده شهرستان واجد حدنصاب بالاترین و پایین‌ترین نمره از هر یک سازه‌های تحقیق مشخص شد. برای سهولت بیشتر در تفسیر نتایج و همچنین مقایسه پذیر کردن سازه‌های تحقیق، نمرات به دست آمده برای هر سازه بر اساس فرمولی (ر.ک: دواس، ۱۳۷۶: ۲۶۷) به گونه‌ای جرح و تعدیل گردید که در دامنه‌ای بین صفر (کمینه) تا ۲۰ (بیشینه) قرار گیرند. این تعدیل نمرات، به ویژه برای قابل فهم تر کردن مقایسه نتایج توصیفی اهمیت بسزایی دارد.

جدول شماره ۱: میانگین نمره ده شهرستان واقع در کرانه بالا و پایین سازه‌های اصلی تحقیق (n=189)

سرمایه اجتماعی		دین و دین داری		توسعه یافتگی	
شهرستان	نمره	شهرستان	نمره	شهرستان	نمره
ورامین	۲۰	ناین	۲۰/۰۰	تهران	۲۰/۰۰
اردستان	۱۹/۳۱	دشت آزادگان	۱۹/۶۱	کرج	۱۹/۰۳
طبرس	۱۹/۲۱	نقده	۱۶/۹۵	یزد	۱۸/۲۱
تایباد	۱۸/۹۸	بیرجند	۱۶/۷۸	بوشهر	۱۷/۹۷
بیرجند	۱۸/۸۰	بندر لنگه	۱۶/۰۸	اصفهان	۱۷/۷۱
قائنات	۱۸/۷۳	بندر ماهشهر	۱۶/۰۸	خمینی شهر	۱۷/۶۲
کردکوی	۱۸/۰۶	اردستان	۱۶/۰۲	نجف آباد	۱۷/۳۸
سنقر	۱۸/۰۶	تفت	۱۶/۰۱	سمنان	۱۷/۳۳
فردوس	۱۸/۰۲	سبزوار	۱۵/۹۹	مشهد	۱۷/۲۱
رامسر	۱۷/۶۸	خمین	۱۵/۷۱	کرمان	۱۷/۱۲
سرمایه اجتماعی		دین و دین داری		توسعه یافتگی	
شهرستان	نمره	شهرستان	نمره	شهرستان	نمره
دماوند	۰/۰۰	تنکابن	۰/۰۰	چابهار	۰/۰۰
سوادکوه	۰/۵۷	داراب	۰/۸۵	لردگان	۳/۰۷
هشترود	۱/۲۱	بندر انزلی	۱/۲۳	سراوان	۳/۲۲
مرودشت	۱/۴۴	فیروزآباد	۲/۳۷	خاش	۳/۷۸
فیروزآباد	۲/۹۷	سراب	۲/۷۳	شادگان	۴/۵۲
دلیجان	۲/۹۸	دزفول	۲/۸۴	میناب	۴/۵۸
تنکابن	۳/۳۷	سرپل ذهاب	۳/۴۳	شیروان	۴/۵۹
محلات	۳/۸۹	تالش	۳/۸۷	خداآبنده	۴/۶۶
بانه	۴/۰۲	مسجد سلیمان	۴/۸۹	ایران شهر	۴/۹۲
سرپل ذهاب	۴/۱۰	مرودشت	۵/۱۰	تالش	۴/۹۵

بالا ترین شهرستان ها

پایین ترین شهرستان ها

جدول شماره ۱، یافته‌های مربوط به کرانه‌های بالا و پایین در هر یک از سازه‌های تحقیق را نشان می‌دهد. یافته‌های مندرج در این جدول، دلالت بر این واقعیت دارند که از میان ده شهرستان واجد بالاترین حدنصاب از شاخص سرمایه اجتماعی، فقط دو شهرستان اردستان و بیرجند در زمره شهرستان‌هایی قرار گرفته‌اند که بیشترین میزان التزام دینی را داشته‌اند.

از سوی دیگر، از میان ده شهرستان واجد پایین‌ترین حدنصاب سرمایه اجتماعی، چهار شهرستان تنکابن، مرودشت، فیروزآباد و سرپل ذهاب در زمره شهرستان‌هایی قرار گرفته‌اند که کمترین میزان التزام دینی را داشته‌اند. همچنین، از میان ۲۰ شهرستان دارای بیشترین و کمترین میزان سرمایه اجتماعی، هیچ شهرستان متناظری از حیث شاخص «توسعه‌یافتگی» به چشم نمی‌خورد که می‌تواند دلالت بر عدم ارتباط دو متغیر سرمایه اجتماعی و توسعه‌یافتگی داشته باشد. باوجوداین، هنوز نمی‌توان این نتیجه‌گیری را به‌طور قطعی معتبر دانست و بدان اعتماد نمود؛ چراکه تأیید یا رد آن مستلزم به‌کارگیری تمام موردهای تحقیق است و نمی‌توان آن را فقط به این چند مورد خاص که در کرانه‌های پایین و بالای سازه‌های تحقیق قرار داشته‌اند، محدود نمود.

در گام بعدی و برای خواناتر نمودن شکل تحلیل داده‌ها، دو متغیر مستقل و وابسته تحقیق به‌صورت ترتیبی درآمد و جدول تقاطعی‌شان گرفته شد. به عبارت دیگر، ابتدا توزیع فراوانی دو شاخص مرکب یا سازه «سرمایه اجتماعی» و «دین/التزام دینی» در سطح شهرستان‌های کشور مدنظر قرار گرفت و سپس بر اساس ستون درصد تجمعی‌شان، شهرستان‌های موردتحقیق به سه گروه «ضعیف یا پایین»، «متوسط» و «قوی یا بالا» تقسیم شدند. جدول زیر نتایج تحلیل تقاطعی این دو سازه اصلی تحقیق را پس از سه شقه‌کردن آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: چگونگی توزیع سرمایه اجتماعی شهرستان‌ها بر اساس التزام دینی (به درصد)

دین یا التزام دینی	سرمایه اجتماعی		
	پایین	متوسط	بالا
ضعیف	۵۸/۱	۳۰/۲	۱۴/۱
متوسط	۲۱/۹	۴۱/۳	۳۴/۴
قوی	۲۰	۲۸/۶	۵۱/۶
درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
تعداد	۶۲	۶۳	۶۴

گاما = ۰/۴۸؛ مجذور کای = ۳۲؛ مقدار احتمال = ۰/۰۰۰

فرضیه تحقیق شامل این گزاره بود که سرمایه اجتماعی ارتباط مثبتی با میزان التزام دینی در شهرستان‌های ایران دارد؛ به نحوی که شهرستان‌های با بیشترین نرخ سرمایه اجتماعی باید از بیشترین میزان التزام دینی برخوردار باشند و بالعکس، کمترین میزان التزام دینی می‌باید متعلق به شهرستان‌های دارای کمترین نرخ سرمایه اجتماعی باشد.

با اندکی تأمل روشن خواهد شد که یافته‌های مندرج در جدول شماره ۲، مؤیدی تجربی برای این گزاره است. در حقیقت، این یافته‌ها حکایت از آن دارند که هر چه از سمت التزام دینی ضعیف به سمت قوی در میان شهرستان‌های موردتحقیق برویم، بر نسبت شهرستان‌هایی که سرمایه اجتماعی‌شان بالاست، افزوده می‌شود (از ۱۴/۱ درصد به ۳۴/۴ درصد و سپس به ۵۱/۶ درصد). همچنین، عکس این روند در میان شهرستان‌هایی مشاهده می‌شود که سرمایه اجتماعی‌شان پایین ارزیابی شده است: هر چه به سمت افزایش التزام دینی می‌رویم از نسبت شهرستان‌ها کاسته می‌شود (یعنی از ۵۸/۱ درصد به ۲۱/۹ درصد و سپس به ۲۰ درصد).

در مقایسه تفاوت درصدهای حد نهایی التزام دینی ضعیف و قوی، وقتی که سرمایه اجتماعی پایین است، اختلاف درصدی نسبتاً بزرگی (درصد $38/1 - 20 = 58/1$) مشاهده می‌شود. همین اختلاف نسبتاً بزرگ درصدی وقتی که سرمایه اجتماعی بالا هم مدنظر قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود (درصد $37/5 = 14/1 - 51/6$). همه این یافته‌ها گویای الگوی افزایش منظم در نسبت سرمایه اجتماعی شهرستان‌هایی است که التزام دینی‌شان افزایش یافته است. این افزایش منظم سرمایه اجتماعی بر اساس التزام دینی شهرستان‌ها، نشانه‌ای از ارتباطی مثبت میان دو متغیر سرمایه اجتماعی و التزام دینی در سطح شهرستان‌های ایران است؛ به نحوی که مقدار ضریب همبستگی گاما نیز معادل $0/48$ (ارتباط متوسط) به دست آمد که از لحاظ آماری نیز کاملاً معنادار است ($P = 0/000$).

همه نتایج فوق‌الذکر، کاملاً در راستای پیش‌بینی فرضیه تحقیق مبنی بر ارتباط مثبت متغیر «دین» با «سرمایه اجتماعی» در شهرستان‌های ایران و دارای دلالت تأییدی بر آن است. با وجود این، هنوز نمی‌توان چنین نتیجه‌گیری‌ای را معتبر دانست و بدان اعتماد نمود؛ چراکه باید ارتباط دو متغیر دین و سرمایه اجتماعی با کنترل یا حذف اثرات متغیر توسعه‌یافتگی مدنظر قرار گیرد. از این‌رو و برای انجام این مهم، از مدل آماری رگرسیون بلوکی استفاده شد که مناسب کاملی برای آزمون چنین فرضیاتی دارد.

در این راستا و در مرحله اول، رگرسیون متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی) بر متغیر مستقل (دین/التزام دینی) بدون هرگونه کنترل آماری گرفته شد (در ستون اول جدول با نام «مدل اول» آمده است). در مرحله دوم، شاخص‌های مختلف سازه توسعه‌یافتگی به صورت بلوکی به مدل قبلی افزوده شده تا چگونگی تغییر ارتباط دو متغیر دین/التزام دینی و سرمایه اجتماعی و معناداری آماری آن مشخص گردد (در جدول زیر با نام «مدل دوم» آمده است).

بدین ترتیب، مقایسه نتایج به دست آمده از این دو مدل رگرسیونی می‌تواند اثر خالص دین/التزام دینی بر سرمایه اجتماعی را با حذف اثر شاخص‌های توسعه‌یافتگی به خوبی آزمون نماید.

جدول شماره ۳: رگرسیون بلوکی سازه سرمایه اجتماعی بر متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق

مدل اول	مدل دوم	همبستگی مرتبه صفر	همبستگی تفکیکی	ضریب ساده رگرسیون	ضریب استاندارد رگرسیون	t	p
مدل اول		۰/۴۴	۰/۴۴	۰/۴۹	۰/۴۴	۶/۷۶	۰/۰۰۰
	مدل دوم	-۰/۰۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۴	۰/۹۷
		-۰/۰۶	-۰/۱۱	-۰/۱۸	-۰/۱۰	-۱/۶۴	۰/۱۴
		-۰/۰۶	-۰/۰۲	-۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۲۰	۰/۸۴
		۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۵۱	۰/۴۵	۶/۸۴	۰/۰۰۰
		R ²	F	P	R ²	F Change	Sig F Change
مدل اول		۰/۴۴	۴۵/۷۳	۰/۰۰۰	۰/۲۰	۴۵/۷۳	۰/۰۰۰
مدل دوم		۰/۴۶	۱۲/۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱	۰/۸۴	۰/۴۷

یافته کلی منعکس شده در سطر آخر جدول شماره ۳، حکایت از آن دارد که:

اولاً، ضریب همبستگی چندگانه معادل با ۰/۴۶ به دست آمده که مبین آن است چهار متغیر مستقل تحقیق (دین/التزام دینی، شهری شدن، صنعتی شدن و سواد دانشگاهی) به طور هم زمان همبستگی و ارتباط متوسطی با سازه سرمایه اجتماعی در شهرستان های ایران داشته اند.

ثانیاً، ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۲۱ محاسبه شده که به معنای توضیح ۲۱ درصد از واریانس سازه سرمایه اجتماعی در شهرستان های ایران توسط ترکیبی خطی از چهار متغیر «دین/التزام دینی»، «شهری شدن»، «صنعتی شدن» و «سواد دانشگاهی» است و ۷۹ درصد باقیمانده به عوامل دیگر (و خطا) تعلق دارد. نسبت F مشاهده شده برای آزمون معناداری ضریب تعیین (R^2) معادل با ۱۲/۰۴ محاسبه شده که از لحاظ آماری کاملاً معنادار بوده است ($P = ۰/۰۰۰$). این، بدان معناست که فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط واقعی میان ترکیبی خطی از متغیرهای مذکور با سازه سرمایه اجتماعی در شهرستان های ایران، به احتمال ۹۹ درصد اطمینان رد می شود.

از طرف دیگر، یافته های مندرج در مدل اول از جدول شماره ۳، مبین تأثیر معنادار متغیر مستقل دین/التزام دینی بر سازه سرمایه اجتماعی است که این تأثیر از حیث شدت، «متوسط» و از حیث جهت، «مثبت» و از لحاظ آماری کاملاً معنادار بوده است (بتا = $+۰/۴۴$ ؛ $t = ۶/۷۶$ ؛ $p = ۰/۰۰۰$). این یافته، گرچه با انتظار

نظری و پیش‌بینی تجربی مندرج در فرضیه تحقیق مطابقت دارد؛ ولی هنوز نمی‌توان گفت که از حیث آزمونی برای فرضیه مذکور دلالت تأییدی داشته است. برای احراز چنین نتیجه‌گیری‌ای، باید به مدل دوم رگرسیونی مراجعه نمود و ارتباط متغیر دین/التزام دینی با سازه سرمایه اجتماعی را در پرتوی شاخص‌های توسعه‌یافتگی (شه‌ری‌شدن، صنعتی‌شدن و نسبت تحصیلمکردگان دانشگاهی) ردیابی کرد تا مشخص شود آیا ارتباط مثبت اولیه دین/التزام دینی با سرمایه اجتماعی پابرجا باقی می‌ماند، یا کلاً از بین می‌رود و یا به طرز معناداری کاهش می‌یابد؟

در همین راستا و در پرتو یافته‌های مندرج در دوم مدل رگرسیونی از جدول شماره ۳، روشن می‌شود که پس از ملحوظ‌داشتن شاخص‌های توسعه‌یافتگی و حذف اثرات آن‌ها، ارتباط دین/التزام دینی با سازه سرمایه اجتماعی هیچ تغییری نکرده و پابرجا باقی مانده است. درواقع، در آزمون‌های مبتنی بر کنترل آماری یعنی همبستگی تفکیکی و وزن بتا (ضریب استاندارد رگرسیون)، دو متغیر دین/التزام دینی و سازه سرمایه اجتماعی به‌طور یکسان معادل $+0/45$ محاسبه گردیده که مقدار آزمون t و معناداری آماری متناظر با آن نیز حکایت از غیرتصادفی و واقعی بودن این نتایج با احتمال ۹۹ درصد اطمینان داشته است ($t = 6/84$ ؛ $p = 0/000$). این یافته، بدان معناست که متغیرهای سازنده توسعه‌یافتگی هیچ تأثیری در ارتباط میان دین/التزام دینی و سازه سرمایه اجتماعی نداشته‌اند و پس از کنترل متغیرهای مبین توسعه‌یافتگی، ارتباط خالص دین/التزام دینی با سرمایه اجتماعی مجدداً از حیث شدت، «متوسط» و از حیث جهت، «مثبت» و از لحاظ آماری کاملاً معنادار بوده است.

همه این یافته‌ها، مؤیدی تجربی برای فرضیه «ارتباط مثبت دین/التزام دینی با سرمایه اجتماعی» محسوب می‌شود و برای مدعای اصلی پژوهش تطبیقی حاضر مبنی بر اثر مثبت و تقویت‌کننده دین/التزام دینی بر سرمایه اجتماعی در ایران - حتی وقتی که شاخص‌های توسعه‌یافتگی کنترل شود - دلالت تأییدی داشته است.

۵. نتیجه‌گیری

مطابق استدلال‌هایی که در بخش نظری اقامه شد، دیدگاه غالب در جامعه‌شناسی آن است که التزام دینی افراد و مشارکت آنان در اجتماعات مذهبی، با افزایش حجم و تراکم شبکه‌های اجتماعی، منجر به ارتقای میزان کلی سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود. به عبارت دیگر، اجتماعات و مشارکت‌های مذهبی یکی از منابع مهم تولید سرمایه اجتماعی در جوامع به شمار می‌روند. در پژوهش حاضر تلاش کردیم اعتبار این مدعای نظری را به محک تجربه بزنیم و با واحد و سطح تحلیل قراردادن «شهرستان و ایران»، این پیش‌بینی تجربی را با روش تطبیقی درون‌کشوری مورد آزمون تجربی قرار دهیم.

چنان‌که مشاهده شد، تمامی یافته‌های این پژوهش در راستای پیش‌بینی تجربی مندرج فرضیه تحقیق بود و این فرضیه غالب در جامعه‌شناسی را که «دین، عاملی تقویت‌کننده برای سرمایه اجتماعی در جامعه است»، مورد تأیید تجربی قرار داد. از این رو، اگر گفته شود در جامعه ایران و با ملحوظ‌داشتن واحد تحلیل

شهرستان، حتی پس از کنترل شاخص‌های سازنده توسعه‌یافتگی و حذف اثراتشان بر روی ارتباط دین با سرمایه اجتماعی، هنوز هم دین عاملی مهم در تقویت سرمایه اجتماعی است، سخن دلالت‌آمیزی بیان شده است. البته، قدری تأمل بر نتایج این پژوهش تطبیقی درون‌کشوری نشان می‌دهد که در برآورد تأثیر دین بر سرمایه اجتماعی در ایران نباید مبالغه کرد. دلیل آن، این است که ضریب همبستگی دین بر شاخص ترکیبی «سرمایه اجتماعی» در شهرستان‌های ایران، معادل با ۰/۴۴ به دست آمده است؛ یعنی فقط حدود ۲۰ درصد (مجدور ۰/۴۴) یا یک‌پنجم از تغییرات سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های ایران ناشی از دین بوده است. این یافته، دلالت بر این واقعیت دارد که اکثر تغییرات یا عمده تفاوت‌های موجود در سرمایه اجتماعی در ایران (یعنی ۸۰ درصد باقیمانده یا تبیین نشده در سطح شهرستان‌های ایران) مربوط به عوامل دیگری غیر از دین (اعم از سایر متغیرهای تبیینی در نظر گرفته نشده و خطا) است. از این رو، در ارائه گزاره تبیینی حاصل از نتایج این پژوهش باید متواضع باشیم و عنوان کنیم که با ملحوظ داشتن واحد تحلیل شهرستان، دین و التزام دینی تا حدودی مولد و مشوق سرمایه اجتماعی در ایران است.

منابع

- کاظمی‌پور، عبدالمحمد و گودرزی، محسن (۱۴۰۱). چه شد؟ داستان افول اجتماع در ایران. چاپ دوم، تهران: اگر.
- کتابی، محمود؛ گنجی، محمد؛ احمدی، یعقوب و معصومی، رضا (۱۳۸۳). دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ۱۷(۲)، ۱۹۲-۱۶۹.
- طالبان، محمدرضا (۱۴۰۲). تنظیم حکومتی دین و التزام مذهبی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۵). وضعیت اجتماعی-فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- Alesina, Alberto & Eliana La Ferrara (2000). Participation in Heterogeneous Communities. *The Quarterly Journal of Economics*, 115(3), 847-904.

- Berkman, L. F., Kawachi, I., & Glymour, M. (Eds.) (2014). *Social epidemiology*. New York, NY: Oxford University Press.

- Berger-Schmitt, R. (2002). Considering Social Cohesion in quality of life assessments: Concept and Measurement و *Social Indicators Research*, 58, 403-428.

- Botterman, Sarah (2015). *An empirical multilevel study of the relation between community level social cohesion indicators and individual social capital in Flanders*. Department of Political Sciences, Katholieke University Leuven, Belgium.

- Bourdieu, P. (1986). "The forms of capital", In: *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (Pp. 241-258). New York: Greenwood.

- Chatters, L. M. (2000). Religion and health: Public health research and practice, *Annual Review of Public Health*, 21, 335-367.

- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital, *American Journal of Sociology*, 9, S95-S120.

- Ellison, C. G., & Sherkat, D. E. (1995). Is sociology the core discipline for the scientific study of religion? *Social Forces*, 73(4), 1255-1266.

- Finke, R., & Dougherty, K. D. (2002). The effects of professional training: The social and religious capital acquired in seminaries. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41(1), 103-120.
- Foley, M. W., & Hoge, D. (2007). *Religion and the new immigrants: How faith communities form our newest citizens*. New York: Oxford University Press.
- Halpern, D. (2005). *Social Capital*. Cambridge: Polity Press.
- Hoffman, Michael & Amaney Jamal (2014). Religion in the Arab spring: Between two competing narratives. *The Journal of Politics*, 76 (3), 593-606.
- Holtug, Nils (2021). *The Politics of Social Cohesion*. Oxford University Press.
- Hooghe, Marc (2011). Social Cohesion in Contemporary Societies: An Update of Theoretical Approaches, in: Marc Hooghe (Ed.) *Contemporary Theoretical Perspectives on the study of social cohesion and social capital*, pp: 7-14, Royal Academy of Belgium.
- Iannaccone, L. R. (1990). Religious practice: A human capital approach. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29(3), 297-314.
- Iannaccone, L. R. (1994). Why strict churches are strong. *American Journal of Sociology*, 99(5), 1180-1211.
- Idler, E. L. (2014). *Religion as a social determinant of public health*. New York, NY: Oxford University Press.
- Jamal, Amaney (2005). The political participation and engagement of Muslim Americans: Mosque involvement and group consciousness. *American Politics Research*, 33(4), 521-544.
- Jottier, D. & Heyndels, B. (2012). Does Social Capital Increase Political Accountability? An Empirical Test for Flemish Municipalities. *Public Choice*, 150, 731-744.
- Krause, N., Hill, P. C., Emmons, R., Pargament, K. I., & Ironson, G. (2017). Assessing the relationship between religious involvement and health behaviors, *Health Education & Behavior: The Official Publication of the Society for Public Health Education*, 44(2), 278-284.
- Larsen, C. A. (2015). *Social Cohesion: Definition, measurement and developments*. Aalborg University, Denmark.
- Parra, Juan Carlos (2011). The effects of religion on social cooperation: Results from a field experiment in Ghana. *Working Paper*, 1-23.
- Portes, A. (1998) Social capital: Its origins and applications in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 24(1), 1-24.
- Putnam, Robert (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.
- Putnam, Robert (1994). Social Capital and Public Affairs. *Bulletin of the American Academy of Arts and Sciences*, 47(8), 5-19.
- Putnam, Robert (1996). The strange disappearance of civic America, *American Prospect* (Winter), 34-48.
- Putnam, Robert (1998). Foreword. *Housing Policy Debate*, 9(1), v-viii.
- Putnam, Robert (2000). *Bowling Alone. The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
- Putnam, Robert (2001). Social Capital, Measurement and Consequences. *Canadian*

Journal of Policy Research, 2(1), 41-51.

- Putnam, R., & Campbell, D. (2010). *American grace: How religion divides and unites us*. New York, NY: Simon & Schuster.
- Rupasingha, A., Goetz, S., & Freshwater, D. (2006). The Production of Social Capital in US Counties. *Journal of Socio-Economics*, 35(1), 83-101.
- Shapiro, Ephraim (2022). A Protective Canopy: Religious and Social Capital as Elements of a Theory of Religion and Health. *Journal of Religion and Health*, 61, 4466-4480.
- Smidt, C. E. (2003). *Religion as social capital: Producing a common good*. Waco: Baylor University Press.
- Stark, Rodney and Roger Finke (2000). *Acts of Faith: Explaining the Human Side of Religion*, University of California Press.
- Stolle, D. (1998). Bowling Together, Bowling Alone: The Development of Generalized Trust in Voluntary Associations. *Political Psychology*, 19 (3), 497-525.